

بررسی رضایتمندی از زندگی زناشویی در چهار نوع از ساختار خانواده

آمنه بختیاری*

چکیده

این پژوهش به مقایسه رضایتمندی از زندگی زناشویی در چهار نوع ساختار خانواده پرداخته است. سؤاها و فرضیه‌های مطرح شده به مقایسه میزان رضایتمندی از زندگی زناشویی در چهار مرحله ساختار خانواده می‌پردازد؛

۱- خانواده‌هایی که تازه ازدواج کرده و فرزند ندارند؛

۲- خانواده‌هایی که فرزند پیش دبستانی یا دبستانی دارند؛

۳- خانواده‌هایی که فرزند نوجوان دارند؛

۴- خانواده‌هایی که فرزندان آنها ازدواج کرده و خانواده را ترک کرده‌اند؛

نمونه بررسی شده شامل ۱۲۰ زوج می‌باشد که هر گروه ۳۰ زوج را در برمی‌گیرد. ابزار استفاده شده پرسشنامه رضایتمندی از زندگی زناشویی انریچ^۱ است. روش تحقیق از نوع علی مقایسه‌ای است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از واریانس عاملی استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد زوجیهایی که فرزندان آنها ازدواج کرده و خانواده را ترک کرده‌اند بالاترین میزان رضایتمندی از زندگی زناشویی را دارند و زوجیهایی که فرزند یا فرزندان نوجوان دارند، پایین‌ترین سطح رضایتمندی از زندگی زناشویی را نشان می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: رضایت، رضایت از زندگی زناشویی، خانواده، انواع ساختار خانواده

پذیرش: ۸۶/۱۲/۶

دریافت: ۸۶/۹/۲۸

* هم‌تراز هیأت علمی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی

مقدمه

نیاز به ایجاد روابط انسانی، یکی از نیازهای عاطفی انسان است و ازدواج صمیمی‌ترین نوع رابطه در پاسخ به کلیه نیازها، اعم از جسمانی و روانی است. همه افراد در ابتدای ازدواج معتقدند که عشق پشتوانه زندگی مشترک آنها خواهد بود اما متأسفانه نیروهایی در کار وجود دارد که می‌توانند باعث پاشیده شدن زندگی مشترک شوند. چون عشق به تنهایی اغلب ضعیف‌تر از آن است که بتواند در برابر این نیروهای مخرب و نتایج حاصل از آن، یعنی رنجش، عصبانیت و دلخوری دوام بیاورد. برای تحکیم روابط زناشویی و جلوگیری از گسستن پیوندهای مودت، عواملی بیش از عشق لازم است (بک، ۱۳۷۲).

به نظر کوینگ^۱ اگرچه در ازدواج رابطه خصوصی و فردی دخالت دارد ولی هیچگاه ازدواج بر پایه این مناسبات پی‌ریزی نمی‌شود بلکه در ازدواج روابط زوجین براساس اهداف خانوادگی برقرار می‌شود. بر مبنای این پیمان، نقشهای جدیدی به نقشهای خوشه‌ای فرد افزوده می‌شود و ارتباطات جدید میان فردی در هر یک از زوجین گسترش پیدا می‌کند و ادامه معاشرت‌ها و سبک زندگی قبلی نیز دگرگون می‌شود. در این صورت هنگامی که قرارداد زناشویی براساس قوانین اجتماعی منعقد شد، زن و شوهر باید روابط بین خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که بتوانند وظایف خانوادگی را بر مبنای انتظاراتی نهادی اجتماعی به ثمر برسانند تا با وجود این توصیه‌ها مشاهده می‌شود که بروز نتایج رفتارها چه در سطح فردی و چه در سطح تعاملی با سایر افراد تفاوت‌های چشمگیری را به منصفه ظهور رسانده است که مهمترین آنان انتظاراتی متفاوت زن و شوهر از نقش یکدیگر در خانواده، نحوه گذراندن اوقات فراغت با یکدیگر، تقسیم کار، نگهداری از

1. Koeing (1967 , 1969)

فرزندان، روابط جنسی، مسائل مالی، مسأله اقوام همسر و روابط با آنان و ... می‌باشد. بنابراین داشتن روابط رضایت‌بخش بین همسران مستلزم وجود کیفیتها و خصوصیاتمانند تعهد، حساسیت، سخاوت، ملاحظه، صمیمیت، وفاداری و همچنین مسؤولیت، اعتماد و اطمینان است. اما آنچه بیش از همه حیات خانواده و رضایت زناشویی را تضمین می‌کند، فرایندی است چندجانبه و پیچیده که در ساخت کنشها و نقشها وارد می‌شود که از میان آنها می‌توان انواع مهم و حساس «ساختار خانواده» را مورد بحث قرار داد چون در این «ساختار» وضع خانواده، پایگاهها، نقشها و روابط متقابل به‌طور مرتب دچار تغییر و دگرگونی می‌شود.

به عبارتی خانواده متشکل از زن و شوهر و یک یا چند فرزند است که روابط اعضای آن در چارچوب نظام همسرگزینی (روابط زناشویی)، نظام ارتباط متقابل والدین و کودک (روابط نسلی) و نظام برادر و خواهر (روابط برادر و خواهری) شکل می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که افراد بتوانند نیازهای یکدیگر را برآورده سازند. بنابراین خانواده نظام واحدی است که نقشهای اجتماعی متعددی را برعهده دارد و ارتباط متقابل اعضای آن بر مبنای بنیادها و نیازهای فرهنگی جامعه شکل می‌گیرد (مینو چین، ۱۳۷۳).

با تشکیل خانواده زوجهای جوان با شماری از وظایف روبرو می‌شوند؛ به‌طوری که باید در بسیاری از نکات ریز مربوط به زندگی روزمره هم به تفاهم برسند. در طی این فرایند است که روابط زوجها شکل می‌گیرد. در آغاز زندگی مشترک ممکن است احساسات و عواطف شدید میان زن و شوهر عامل پنهان ماندن تفاوت‌های خلاق و هدفهای متفاوت آنان باشد، اما تا عوامل مختلف موجب فرسودگی احساسات عاشقانه بعد از ازدواج می‌شود و به تدریج سازش، از خودگذشتگی و امتیاز دادن که لازمه ارتباط صمیمی است، به‌نظر ملال‌انگیز می‌رسد.

یکی از این عوامل را که بی‌تردید مهمترین عامل هم می‌باشد، این است که ترکیب و ساخت خانواده در طول حیات دچار تغییراتی می‌شود؛ به طوری که به دنبال خود مسائل و مشکلات زندگی را در تعامل و کشاکش «کنش متقابل» شکل می‌دهد. در نتیجه شیوه زندگی زن و شوهری و خط‌مشی زندگی والدین و فرزندان دچار دگرگونی می‌شود. این امر ممکن است به کشمکش‌های خانوادگی و در نهایت نارضایتی از زندگی زناشویی منتهی شود و این خود یکی از دردناکترین مسائل جوامع بشری می‌باشد.

در این صورت موضوع پژوهش حاضر بررسی رضایتمندی از زندگی زناشویی در انواع «ساختار» خانواده (چهار نوع ساختار)، یعنی مرحله‌ای که تازه تأهل اختیار شده و خانواده‌ها بدون فرزند می‌باشند؛ مرحله‌ای که فرزند پیش‌دبستان یا دبستانی دارند؛ مرحله‌ای که خانواده فرزند نوجوان دارند و در آخر مرحله‌ای که فرزندان ازدواج کرده و خانواده را ترک کرده‌اند، می‌باشد. با توجه به اینکه خانواده در گذار از این مراحل پی‌درپی دچار تغییر و دگرگونی می‌شود، به طوری که پیامد آن ممکن است مسائل و مشکلاتی را برای خانواده در برداشته باشد، بنابراین ضرورت دارد این مراحل و نقش آنها در رضایتمندی از زندگی زناشویی بررسی شود.

فرضیه‌های پژوهش

بین عوامل مؤثر در رضایت از زندگی زناشویی در دوره‌های مختلف ساختار خانواده، یعنی:

- ۱ - دوره‌ای که زوجین فرزند ندارند؛ ۲- دوره‌ای که زوجین فرزند پیش‌دبستانی یا دبستانی دارند؛ ۳- دوره‌ای که زوجین فرزند نوجوان دارند و ۴- دوره‌ای که فرزندان ازدواج کرده و خانواده را ترک کرده‌اند، تفاوت معناداری وجود دارد.

نظریه‌های مربوط به ساختار خانواده

ساختار خانواده از سه دیدگاه بررسی می‌شود: ۱- نهادی، ۲- کنش متقابلی ۳- ساخت و

وظیفه

۱- دیدگاه نهادی:

چارچوب نهادی از قدیمی‌ترین روش‌هایی است که در مطالعه ازدواج و خانواده بکار رفته است. در چارچوب نهادی، نهاد ازدواج در اجتماع کل قرار گرفته و این نهاد ارگانیک است که نظام آن به وسیله اجزای تشکیل دهنده‌اش حفظ می‌شود. بنابراین از بعضی جهات شباهتهایی به چارچوب ساخت و وظیفه دارد، با این تفاوت که روش نهادی روی جنبه توصیفی، تاریخی و مقایسه‌ای بیشتر تکیه می‌کند. از جمله این نظریه‌ها می‌توان به نظریه‌های دورکیم اشاره کرد. او می‌گوید: «جامعه بشری در جریان یک تطور دائمی است. این تطور، جامعه بشری را از همبستگی مکانیکی به سوی تقسیم کار، تخصیص و همبستگی ارگانیکی سوق می‌دهد. بنابراین در این حالت که جامعه در بستر تطور قرار دارد، عناصر جامعه از جمله خانواده هم در این بستر قرار می‌گیرد و تطوری دائمی ولی تدریجی و بدون انقطاع دارد» (Christensen, A. & Heavey.col, 1993).

۲- دیدگاه ساخت و وظیفه:

این چارچوب خانواده را یکی از پاره نظام‌های نظام کل اجتماع می‌داند که انجام پاره‌ای از وظایف اجتماع را به عهده دارد و نیز مجموعه‌ای از افراد یا شبکه‌ای از پایگاه‌های حقوقی و نقش‌ها که نظام خانوادگی و در نتیجه نظام اجتماع کل و نیز، انتظارات نقش‌های اعضای خانواده، مقررات داخلی خانواده، توصیف وضعیت‌ها و به‌طور کلی تمام عناصر مؤثر در تغییر شکل ساخت خانواده را مطالعه می‌کند. مطالعات جامعه‌شناسی خانواده که از چارچوب ساخت و وظیفه

استفاده می‌کند، خانواده را نظامی باز و متأثر از عوامل خارجی و مؤسسات دیگر اجتماعی (مدرسه، محیط کار، بازار و غیره) می‌داند و چارچوب ساخت و وظیفه برعکس کنش متقابل که فرد را فعال و متکبر می‌داند، فرد را وابسته به نظام نقشها و پایگاههای حقوقی به‌شمار می‌آورد. این مطالعات خانواده را بیشتر یک عنصر از نظام می‌داند تا عامل دگرگونی و سعی در تأکید جنبه ثابت ساخت می‌کند و تغییرات را نادیده می‌گیرد.

۳- دیدگاه کنش متقابل:

این دیدگاه می‌گوید: «خانواده واحدی است مرکب از اشخاص که افراد بدون آن کنش متقابل دارند و هر کدام موقعیتی خاص در داخل آن دارند که به‌وسیله تعدادی نقش مشخص می‌شوند. فرد هنجارها، انتظارها و نقشهای دیگر اعتقاد گروه خانواده را که شامل سکون و رفتار در یک وضعیت خاص می‌شود، درک می‌کند و در ارتباط با نقش خویش و انتظارهای گروه از او نقش خود را ایفا می‌کند. بنابراین دیدگاه، جریان دقیق نحوه کنشهای متقابل گروه خانوادگی را مطالعه می‌کند و غیر از نقشها، پایگاه حقوق فرد، تعارضها و راه‌حل آنها، مسائل مربوط به ازدواج از آغاز تا انتها را مورد توجه قرار می‌دهد، اما این دیدگاه روابط موجود بین خانواده و مؤسسات دیگر اجتماعی را نادیده می‌گیرد (Christensen, A. & Heavey.col, 1963).

نظریه‌های سیستمی خانواده

در دید سیستمی، هر عنصری وابسته به محیط خود و سایر عناصر سیستمی است که خود جزئی از آن است. در این دید باید هر چیزی را برحسب رابطه‌اش با سایر موارد تعریف کرد. بنابراین سیستمی که بیش از همه بر فرد محیط است و رفتارهای او را شکل می‌دهد، خانواده است. رفتاری که در رابطه با سایر اعضای خانواده بروز می‌کند، منحصر به رفتار سازشی و بهنجار

نیست بلکه رفتار ناهنجار با افراد هم خانواده را شکل می‌دهد. در این صورت خانواده را به‌عنوان یک سیستم می‌توان این‌طور تعریف کرد: «موجودی که اجزای آن با هم تغییر می‌کنند و با انحراف برای حفظ تعادل خود، فعال می‌شوند» (ثنائی، ۱۳۶۵).

در این صورت خانواده زیرسیستمی از جامعه است. در درون خود خانواده نیز سیستم‌های کوچکتر دیگری وجود دارند. هر عضو خانواده به‌گونه‌ای متفاوت با دیگر اعضا برخورد دارد. این ترکیب‌های مختلف که زیرسیستمها را تشکیل می‌دهند، از تعاملات بین دسته‌ای خاص از افراد مانند، پدر، مادر، خواهر و برادر، فرزند، والد، پدربزرگ و مادربزرگ پدید می‌آیند. در درون هر خانواده و زیرسیستم می‌توان دسته‌ای از موقعیتهای ویژه را مشخص کرد که در آنها افراد رفتارهای مختلفی را از خود نشان می‌دهند. این موقعیتهای به‌عنوان زمینه شناخته می‌شوند. زمینه یک الگوی قابل تشخیص از ایده‌ها و یا رویدادهای پدید آمده به‌وسیله اعضای خانواده است که مجموعه‌ای از انتظارها را به‌وجود می‌آورد و به‌وسیله این انتظارات، به این رویدادها معنا بخشیده می‌شود. خانواده‌هایی که دچار مشکل می‌شوند چون باورها و انتظاراتشان نسبت به موقعیت کمکی به آنها نمی‌کند، تلاش می‌کنند تا زمینه مساعد را عوض کنند. (استریت، ۱۳۷۹: ۷۴-۷۶).

به‌عبارتی می‌توان گفت خانواده یک واحد اجتماعی است که با یک رشته وظایف تکاملی^۱ روبرو است. این وظایف در امتداد پارامترهای تفاوت‌های فرهنگی تغییر می‌کنند، اما ریشه‌های آنها جهانی است (کارلسون، ترجمه نوابی‌نژاد، ۱۳۷۸: ۳۰). یعنی زوج جوان در آغاز ازدواج با شماری از وظایف روبرو می‌شود؛ به‌طوری که باید در بسیاری از نکات ریز مربوط به زندگی روزمره به برون‌سازی^۲ متقابل برسند.

1. Developmental
2. Accommodation

تولد کودک نشانه یک تغییر بنیادی در سازمان خانواده است. باید نقش^۱ زن و شوهر در برآوردن نیازهای کودک به مراقبت و پرورش و حل محدودیتهایی که به وقت والدین تحمیل می‌شود، متمایز شود. معمولاً تعلق جسمی و عاطفی به کودک مستلزم تغییر در الگوهای مراوده‌های زن و شوهر است. در سازمان خانواده یک رشته زیرمنظومه‌هایی با نقشهای متفاوت برای والدین و فرزندان ظاهر می‌شود. این دوره هم مستلزم تبادل نظر و توافق بر سر مرزهای^۲ بین خانواده با خانواده گسترده^۳ و کلاً بدون خانواده است.

به مرور زمان بچه‌ها به نوجوان و سپس بزرگسال تبدیل می‌شوند. بچه‌های تازه‌ای به خانواده ملحق می‌شوند و خانواده در این دوره‌های مختلف تکامل خود، ملزم به تطابق و بازسازی است. تغییراتی که در کارایی و توان نسبی اعضای خانواده حاصل می‌شود، از قبیل تغییر کودکان از حالت اتکای به والدین، به حالت اتکای والدین به کودکان، مستلزم برون‌سازی مداوم است. با بیرون رفتن بچه‌ها از خانواده، زن و شوهر از نو در یک شرایط اجتماعی بسیار متفاوت ظاهر می‌شوند. خانواده باید در عین حفظ تداوم خود، به مقابله با تغییرات درونی و بیرونی بپردازند. و باید در عین تطابق با جامعه ساختار، رشد کلیه اعضای خود را مورد حمایت و تقویت قرار دهند. بنابراین خانواده یک سیستم باز^۴ در حال ساختار است؛ یعنی به‌طور دائم داده‌هایی را از برون خانواده می‌گیرد و به آن می‌دهد و خود را با تقاضاهای مختلف مراحل تکاملی خود تطبیق می‌دهد. با توجه به توضیحات مذکور، خانواده سیستمی دارای سه جزء است. اصل ساخت خانواده عبارت از یک سیستم اجتماعی- فرهنگی باز و در حال دگرگونی است. و م، خانواده

-
1. Function
 2. Boundary
 3. Extended Family
 4. Open System

تکامل پیدا می‌کند، یعنی مراحل را پشت سر می‌گذارد که مستلزم بازسازی^۱ است. و م، خانواده با شرایط تغییر و تطابق پیدا می‌کند تا تداوم خود را حفظ کند و رشد روان - اجتماعی هر یک از اعضای خود را افزایش دهد (کارلسون، ترجمه نوابی‌نژاد، ۱۳۷۸).

دیدگاه اولسون درباره خانواده

اولسون^۲ و همکاران معتقدند رضایت از رابطه فرد به کیفیت رابطه بستگی دارد. اگر رابطه‌ای مطلوب بوده و با امیدها و انتظارات هماهنگ باشد، رابطه‌ای رضایت‌بخش خواهد بود. البته ادراک فرد از مطلوبیت یک رابطه، رضایتمندی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما تا در این میان ممکن است رابطه منافی هم برای فرد داشته باشد ولی او رابطه را رضایت‌بخش نداند (سیرز، ۱۹۸۸).

اولسون (۱۹۸۹) درباره رضایت از زندگی زناشویی می‌نویسد: «سه زمینه کلی رضایتمندی که با هم تداخل دارند و وابسته به یکدیگرند عبارتند از:

- رضایت افراد از ازدواجشان؛
- رضایت از زندگی خانوادگی؛
- رضایت از زندگی به‌طور کلی؛

تحقیقات اولسون و دیگران نشان داد که ضریب همبستگی بین رضایت از زندگی زناشویی و رضایت از خانواده حدود ۷۰ درصد است و ضریب همبستگی بین رضایت از خانواده و رضایت از زندگی به‌طور کلی حدود ۶۷ درصد است. با توجه به مطلب فوق رضایت افراد از ازدواج خود،

1. Restructuring

2. Olson, 1989

زمینه‌ساز و هسته اصلی رضایت از خانواده و زندگی به‌طور کلی است. به عبارتی می‌توان گفت، سلامت جامعه و خانواده در گرو رضایت افراد از ازدواجشان است (اولسون و دیگران، ۱۹۸۹). اولسون و دیگران معتقدند خانواده طی روند تکاملی خود مراحل را پشت سر می‌گذارد و در این میان از درون با فشارهای ناشی از رشد و تغییرات تعاملی اعضای خود روبروست که باید خود را با آن تطبیق دهد. از طرف دیگر منابع استرس خارجی باعث بروز دشواری در خانواده می‌شود.

یکی از این منابع، تماس یک عضو خانواده با نیروها و عوامل موجود استرس «برون خانواده» مثلاً تغییر شغل یا بیکاری پدر خانواده است. اگر خانواده برای حمایت از عضو دچار استرس نتواند با وضعیت او برون‌سازی کند، ممکن است کار به تشنج بکشد و حتی در مواردی کل خانواده به علت عوامل استرس‌زای خارجی مثل بحران اقتصادی، نقل مکان و یا فقر دچار مشکل شده و امکان مقابله با فشارهای خارجی را از دست بدهد. آنها به‌طور کلی برای زندگی خانوادگی مراحل را مطرح می‌کنند که به شرح زیر می‌باشد:

۱- زوجهای جوان بدون فرزند؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲- خانواده با فرزندان پیش‌دبستانی؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳- خانواده با فرزندان دبستانی؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴- خانواده با فرزندان نوجوان؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵- خانواده با فرزندانی که خانواده را ترک کرده‌اند؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۶- خانواده در دوران میانسالی و بازنشستگی (ثنایی، ۱۳۷۰).

روش پژوهش

آزمودنیها

نمونه‌های مطالعه شده از طریق روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ۱۲۰ نفر از زوجهای شاغل در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وابسته به وزارت علوم انتخاب شدند که به ۴ گروه ۶۰ نفری (۳۰ زوج) به شرح زیر تقسیم گردیدند:

- ۱- زوجهای بدون فرزند: شامل ۳۰ زوج (زن و شوهر) بدون فرزند با حداقل دو سال تأهل مشترک که بارور تشخیص داده نشده باشند.
- ۲- زوجهای دارای فرزند خردسال: شامل ۳۰ زوج (زن و شوهر) با حداقل یک فرزند دبستانی یا پیش‌دبستانی و بدون فرزند نوجوان.
- ۳- زوجهای دارای فرزند نوجوان: شامل ۳۰ زوج (زن و شوهر) با حداقل یک فرزند نوجوان به‌طوری که هیچ‌یک از فرزندان آنان ازدواج نکرده باشند (البته نوجوان سنین بین ۱۲-۱۸ سال در نظر گرفته شده است).
- ۴- زوجهای دارای فرزند ازدواج کرده: شامل ۳۰ زوج (زن و شوهر) که همه فرزندان آنها ازدواج کرده و خانواده را ترک کرده باشند.

ابزار پژوهش و روش اجرا

در این پژوهش برای سنجش میزان رضایتمندی از زندگی زناشویی زوجها از پرسشنامه^۱ ۱۱۵ ماده‌ای مربوط به پربارسازی و مسائل تقویت روابط، ارتباط و خشنودی موسوم به انریچ^۱ استفاده شده است. این پرسشنامه به‌وسیله سه نفر از متخصصان مشهور خانواده درمانی به نامهای

1. Enrich

اولسون، فرونیرو و دراکمن در سال ۱۹۸۳ تدوین شد و شامل ۱۱۵ سؤال بسته با ۱۲ مقیاس فرعی بود. این مقیاسها عبارتند از:

۱- پاسخهای قراردادی (تعریف آرمانی)؛^۱ ۲- رضایت زناشویی؛^۲ ۳- ویژگیهای شخصی؛^۳ ۴- ارتباط؛^۴ ۵- حل تعارض؛^۵ ۶- نظارت مالی؛^۶ ۷- فعالیتهای مربوط به اوقات فراغت؛^۷ ۸- رابطه جنسی؛^۸ ۹- بچه‌ها و ازدواج؛^۹ ۱۰- خانواده و دوستان؛^{۱۰} ۱۱- نقشهای مربوط به برابری زن و مرد؛^{۱۱} ۱۲- جهت‌گیری عقیدتی (مذهبی).^{۱۲}

گزینه‌های مربوط به مواد این پرسشنامه‌ها قابل تبدیل به «نمرات ۰، ۱، ۲، ۳، ۴» است و بیشترین نمره‌ای که یک فرد می‌تواند در آن بیاورد برابر با $4 \times 115 = 460$ می‌باشد (اولسون و همکاران، ۱۹۸۹).

شواهد مربوط به اعتبار و روایی ابزار پژوهش

شواهد مربوط به محاسبات انجام شده در مورد ضرایب هم‌هنگی درونی خرده مقیاسهای تشکیل‌دهنده پرسشنامه انریچ (اعتبار ابزار پژوهش) با استفاده از فرمول α کرونباخ که تعمیم یافته فرمول شماره ۲ کودر - ریچاردسون است، انجام شده است (که در جدول ۱ ارائه شده است).

1. Idealistic Distortion
2. Marital Satisfaction
3. Personality Issues
4. Communication
5. Conflict Resolution
6. Financial Management
7. Leisure Activities
8. Sexual Relationship
9. Children and Marriage
10. Family and Friends
11. Equalitarian Roles
12. Religious Orientation

جدول ۱: ضریب هماهنگی درونی (α)، اعتبار ابزار پژوهشی

عنوان خرده مقیاس	تعداد مواد	پژوهش خارجی	پژوهش داخلی
تحریف آرمانی	۵	٪۹۰	٪۷۲
رضایت زناشویی	۱۰	٪۸۱	٪۸۵
مسائل شخصیتی	۱۰	٪۷۳	٪۷۶
ارتباط	۱۰	٪۶۸	٪۷۶
حل تعارض	۱۰	٪۷۵	٪۷۶
مدیریت مالی	۱۰	٪۷۴	٪۸۱
فعالیت‌های اوقات فراغت	۱۰	٪۷۶	٪۶۳
رابطه جنسی	۱۰	٪۴۸	٪۶۹
امور فرزندان و فرزندپروری	۱۰	٪۷۷	٪۸۷
خانواده و دوستان	۱۰	٪۷۲	٪۶۹
نقش‌های مساوات طلبی	۱۰	٪۷۱	٪۶۲
جهت‌گیری مذهبی	۱۰	٪۸۶	٪۷۳

ضرایب بازآزمایی با فاصله یک هفته در مطالعه مهدویان (۱۳۷۶) بترتیب برای خرده مقیاسهای تحریف آرمانی برابر با ۷۲ درصد، رضایت زناشویی ۸۵ درصد، مسائل شخصیتی ۷۶ درصد، ارتباط ۷۶ درصد، حل تعارض ۷۶ درصد، مدیریت مالی ۸۱ درصد، فعالیتهای اوقات فراغت ۶۳ درصد، رابطه جنسی ۶۹ درصد، فرزندان و فرزند پروری ۸۷ درصد، خانواده و دوستان ۶۹ درصد، نقش‌های مساوات طلبی ۶۴ درصد و جهت‌گیری مذهبی برابر با ۷۳ درصد است. همچنین شواهد مربوط به روایی ابزار پژوهش نشان داد که میزان همبستگی خرده مقیاسهای پرسشنامه انریچ با خرده مقیاسهای تشکیل‌دهنده پرسشنامه رضایت خانوادگی بین

۴۱ درصد - ۶۰ درصد و با خرده مقیاسهای پرسشنامه رضایت زندگی بین ۳۲ درصد - ۴۱ درصد به دست آمد که نشانه‌ای برای روایی تقارنی آن است (ولسون و همکاران، ۱۹۸۹). از سوی دیگر میزان همبستگی فوق نشان داده است که پرسشنامه انریچ (و بخشهای تشکیل دهنده آن) زوجهای راضی و ناراضی را بخوبی از هم متمایز می‌کند که این نیز دلالت بر روایی گروههای شناخته شده در این مقیاس می‌باشد.

روش تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های به‌دست آمده از دو روش زیر استفاده شده است:

الف) تحلیل واریانس عاملی که اثرهای ساده و تعاملی دو یا چند متغیر مستقل را برحسب یک متغیر وابسته تحلیل می‌کند. به بیان دیگر در این روش دو یا چند متغیر مستقل در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند تا تغییر کنند؛ به طوری که پراش^۱ یا متغیر وابسته را به وجود آورند (هومن، ۱۳۶۸: ۲۰۰-۲۰۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یافته‌ها

جدول ۲: میانگین نمرات زنان و مردان متعلق به ۴ گروه نمونه در خرده مقیاسهای تشکیل دهنده

پرسشنامه انریچ و خلاصه نتیجه واریانس یک‌راهه برای مقایسه میانگین نمرات گروهها

مقیاس	بدون فرزند	فرزند پیش دبستانی یا دبستانی	فرزند نوجوان	فرزند ازدواج کرده	Fob	سطح معناداری
تعریف آرمان	زن	۱۵/۹	۱۵/۵	۱۵	۱۷/۹	۰/۰۰۱
	مرد	۱۵/۹	۱۵/۶	۱۴/۴	۱۷/۸	۰/۰۰۱
رضایت زناشویی	زن	۳۱/۱	۲۶/۷	۲۱/۴	۳۸/۵	۰/۰۰۱
	مرد	۳۰/۸	۲۶/۵	۲۱/۴	۳۸/۵	۰/۰۰۱
مسائل شخصیتی	زن	۳۰/۵	۲۷/۷	۲۲/۵	۳۸	۰/۰۰۱
	مرد	۳۰/۳	۲۷/۲	۲۲/۴	۳۷	۰/۰۰۱
ارتباط	زن	۳۰/۶	۲۷/۱	۲۱/۸	۳۸/۳	۰/۰۰۱
	مرد	۳۰/۵	۲۶/۸	۲۱/۵	۳۸/۲	۰/۰۰۱
حل تعارض	زن	۳۰/۵	۲۷/۴	۲۱/۱	۳۸/۳	۰/۰۰۱
	مرد	۳۰/۵	۲۷/۲	۲۱/۳	۳۸/۱	۰/۰۰۱
مدیریت مالی	زن	۳۰/۳	۲۸/۶	۲۳/۳	۳۷/۹	۰/۰۰۱
	مرد	۳۰/۱	۲۸/۵	۲۲/۸	۳۷/۶	۰/۰۰۱
اوقات فراغت	زن	۳۶/۳	۲۸/۶	۲۳/۲	۳۸	۰/۰۰۱
	مرد	۳۰/۲	۲۸/۵	۲۳/۱	۳۷/۶	۰/۰۰۱
رابطه جنسی	زن	۳۱	۲۷	۲۱/۴	۳۸/۳	۰/۰۰۱
	مرد	۳۰/۸	۲۶/۶	۲۱/۳	۳۸/۲	۰/۰۰۱
فرزند پروری	زن	-	۲۶/۴	۲۰/۹	۳۸/۵	۰/۰۰۱
	مرد	-	۲۶/۲	۲۱/۱	۳۸/۲	۰/۰۰۱
خانواده و دوستان	زن	۳۰/۴	۲۷/۹	۲۴/۸	۳۷/۷	۰/۰۰۱
	مرد	۳۰/۴	۲۷/۳	۲۲/۷	۳۷/۶	۰/۰۰۱
مسائرت طلبی	زن	۳۰/۸	۲۷/۱	۲۱/۸	۳۷/۹	۰/۰۰۱
	مرد	۳۰/۶	۲۷/۹	۲۲/۱	۳۷/۷	۰/۰۰۱
جهت‌گیری مذهبی	زن	۳۰/۶	۲۸	۱/۲۲	۳۸	۰/۰۰۱
	مرد	۳۰/۳	۲۸/۱	۲۲/۹	۳۷/۹	۰/۰۰۱
کل	زن	۲۲/۵	۳۱/۸/۲	۲۵/۹	۴۴/۷	۰/۰۰۱
	مرد	۳۱/۶/۷	۳۱/۵/۶	۲۵/۷/۲	۴۴/۲	۰/۰۰۱

- جدول ۲ میانگین نمرات زنان و مردان متعلق به ۴ گروه (به صورت ترکیب) در خرده مقیاسهای تشکیل دهنده پرسشنامه انریچ از طریق تحلیل واریانس یک راهه را نشان می دهد. همانگونه که در جدول مذکور مشاهده می شود، در تمام زیرمقیاسها و نیز نمره کل آزمون انریچ (هم در زنان و هم در مردان) تفاوت های کاملاً معناداری بین نمرات چهار گروه شرکت در تحقیق وجود دارد.

جدول ۳: میانگین، خطای استاندارد میانگین و حدود بالایی و پایینی فاصله اعتماد ۹۵٪ میانگین توزیع نمرات کل گروه های نمونه (در متغیر وابسته)

فاصله اعتماد ۹۵٪

گروه زوجها	میانگین	خطای استاندارد × میانگین	حد پایینی	حد بالایی
بدون فرزند	۳۵۰/۰۷۷	۱/۸۰۴	۳۴۶/۵۰۳	۳۵۳/۶۵۱
دارای فرزند خردسال	۳۱۶/۸۸۳	۳/۵۴۹	۳۰۹/۸۵۹	۳۲۳/۹۱۵
دارای فرزند نوجوان	۲۵۸/۱۰۰	۱/۸۰۴	۲۵۴/۵۲۶	۲۱۶/۶۷۴
دارای فرزند ازدواج کرده	۴۳۷/۰۰۰	۱/۸۰۴	۴۳۳/۴۲۶	۴۴۰/۵۷۴

* براساس میانگین اصلاح شده کناری جامعه

در جدول ۳ برخی از مشخصه های آماری توزیع نمرات کل گروه های نمونه در پرسشنامه انریچ ارائه شده است، در این صورت این جدول میانگین نمرات این گروهها را به نمایش گذاشته است. این جدول میانگین و خطای استاندارد میانگین، حدود بالایی و پایینی فاصله اطمینان ۹۵ درصدی کل گروه های نمونه (در متغیر وابسته) می باشد. این جدول که به مقایسه توزیع نمرات رضایت از زندگی زناشویی در گروه های نمونه پرداخته است، نشان می دهد که:

۱) گروه نمونه زوجهایی که فرزند ازدواج کرده دارند، نسبت به سایر گروهها بیشترین مقدار رضایت از زندگی زناشویی را دارند و گروه نمونه زوجهای دارای فرزند نوجوان کمترین مقدار رضایت از زندگی زناشویی را دارند، میانگین و خطای استاندارد توزیع نمره‌های این گروه در کل پرسشنامه به ترتیب برابر با ۴۳۷ و ۱/۸۰۴ است، ملاحظه می‌شود که میانگین به دست آمده نسبت به عدد ۳۴۵، یعنی حد نصاب مربوط به رضایت زیاد (۳ × ۱۱۵) به مراتب بیشتر است؛

۲) گروه نمونه زوجهای دارای فرزند نوجوان نسبت به سایر گروهها، کمترین مقدار رضایت از زندگی زناشویی را دارند؛

۳) میزان رضایت از زندگی زناشویی زوجهای نمونه بدون فرزند و دارای فرزند خردسال نیز تا حدی بهتر از گروه نمونه زوجهای دارای فرزند نوجوان است.

جدول ۴: میانگین و انحراف استاندارد نمرات گروههای نمونه در خرده مقیاسها پرسشنامه انریچ

خرده مقیاس ^۱	گروه ^۲	اندازه نمونه (N)	میانگین ^۳	انحراف استاندارد ^۴
تحریف آرمانی	تازه ازدواج کرده	۳۰	۱۵/۹۵۰	۴۰۲
	طای فرزند پیش‌دبستی یا دبستی دارای فرزند نوجوان	۳۰	۱۵/۵۸۳	۶۷۱
	فرزند ازدواج کرده	۳۰	۱۴/۷۱۷	۴۴۹
	کل	۱۲۰	۱۷/۹۰۰	۷۷۰
رضایت زناشویی	تازه ازدواج کرده	۳۰	۳۱/۰۰۰	۴۵۵
	طای فرزند پیش‌دبستی یا دبستی دارای فرزند نوجوان	۳۰	۲۶/۶۱۷	۱/۰۱۴
	فرزند ازدواج کرده	۳۰	۲۱/۴۵۰	۱/۱۹۲
	کل	۱۲۰	۳۸/۵۶۷	۴۸۷
مسائل شخصیتی	تازه ازدواج کرده	۳۰	۲۰/۴۳۳	۴۸۷
	طای فرزند پیش‌دبستی یا دبستی دارای فرزند نوجوان	۳۰	۲۷/۵۰۰	۱/۳۸۷
	فرزند ازدواج کرده	۳۰	۲۲/۵۰۰	۶۰۲
	کل	۳۰	۲۷/۹۱۷	۶۳۱

- 1 .Sub_Scale
- 2 . Group
- 3 . Mean
- 4 . Std (Deviation)

بررسی رضایتمندی از زندگی زناشویی...

۵۶۶۴	۲۹/۵۸۷	۱۲۰	کل	
۴۱۰	۳۰/۵۶۷	۳۰	تازه ازدواج کرده	ارتباط
۶۵۶	۲۶/۹۶۷	۳۰	طای فرزند بیش‌بستگی یا دبستگی دارای فرزند	
۱/۲۳۶	۲۱/۷۰۰	۳۰	نوجوان	
۵۹۶	۳۸/۳۰۰	۳۰	فرزند ازدواج کرده	
۶/۱۱۲	۲۹/۳۳۸	۱۲۰	کل	
۳۷۹	۳۰/۵۵۰	۳۰	تازه ازدواج کرده	حل تعارض
۵۴۹	۲۷/۳۱۷	۳۰	طای فرزند بیش‌بستگی یا دبستگی دارای فرزند	
۱/۳۹۹	۲۱/۱۸۳	۳۰	نوجوان	
۵۹۷	۳۸/۳۱۷	۳۰	فرزند ازدواج کرده	
۶/۲۲۳	۲۹/۳۱۷	۱۲۰	کل	
۴۰۹	۳۰/۲۱۷	۳۰	تازه ازدواج کرده	مدیریت مالی
۶۶۶	۲۸/۵۶۷	۳۰	طای فرزند بیش‌بستگی یا دبستگی دارای فرزند	
۱/۰۱۷	۲۳/۱۳۳	۳۰	نوجوان	
۵۵۲	۳۷/۷۸۳	۳۰	فرزند ازدواج کرده	
۵۳۰۶	۲۹/۹۲۵	۱۲۰	کل	
۳۴۱	۳۰/۲۶۷	۳۰	تازه ازدواج کرده	اوقات فراغت
۶۷۹	۳۸/۵۶۷	۳۰	طای فرزند بیش‌بستگی یا دبستگی دارای فرزند	
۸۸۷	۲۳/۳۰۰	۳۰	نوجوان	
۵۶۲	۳۷/۸۳۳	۳۰	فرزند ازدواج کرده	
۵/۳۹۸	۲۹/۹۶۷	۱۲۰	کل	
۵۹۸	۳۰/۹۳۳	۳۰	تازه ازدواج کرده	رابطه جنسی
۹۰۳	۲۶/۸۳۳	۳۰	طای فرزند بیش‌بستگی یا دبستگی دارای فرزند	
۱/۴۴۸	۲۱/۳۸۳	۳۰	نوجوان	
۶۲۴	۳۸/۳۰۰	۳۰	فرزند ازدواج کرده	
۶/۲۷۰	۲۹/۳۶۳	۱۲۰	کل	
۴۵۶	۳۰/۴۱۷	۳۰	تازه ازدواج کرده	خانواده و دوستان
۱/۱۲۳	۲۷/۶۵۰	۳۰	طای فرزند بیش‌بستگی یا دبستگی دارای فرزند	
۱/۱۲۷	۲۲/۷۸۳	۳۰	نوجوان	
۶۹۹	۳۷/۶۶۷	۳۰	فرزند ازدواج کرده	
۵/۴۸۰	۲۹/۶۲۹	۱۲۰	کل	
۵۵۳	۳۰/۷۳۳	۳۰	تازه ازدواج کرده	تقاضای مسأله‌طلبی
۷۳۷	۲۷/۰۱۷	۳۰	طای فرزند بیش‌بستگی یا دبستگی دارای فرزند	
۱/۶۴۵	۲۱/۹۶۷	۳۰	نوجوان	
۶۰۹	۳۷/۸۱۷	۳۰	فرزند ازدواج کرده	
۵/۸۸۴	۲۹/۳۸۳	۱۲۰	کل	
۴۲۵	۳۰/۵۱۷	۳۰	تازه ازدواج کرده	جهت‌گیری مذهبی
۸۹۴	۳۸/۰۵۰	۳۰	طای فرزند بیش‌بستگی یا دبستگی دارای فرزند	
۱/۰۱۳	۲۳/۰۱۷	۳۰	نوجوان	
۶۸۸	۳۸/۰۱۷	۳۰	فرزند ازدواج کرده	
۵/۴۸۸	۲۹/۹۰۰	۱۲۰	کل	

گروهها:

۱- زوجهای بدون فرزند

۲- زوجهای دارای فرزند خردسال

۳- زوجهای دارای فرزند نوجوان

۴- زوجهای دارای فرزند ازدواج کرده

براساس ارقام جدول ۴ که میانگین و انحراف استاندارد نمرات گروههای نمونه در خرده مقیاسهای پرسشنامه انریچ را نشان می‌دهد می‌توان چنین نتیجه گرفت که بدون استثنا در تمام یازده بخش تشکیل‌دهنده پرسشنامه، تفاوت بین میانگین نمرات چهار گروه نمونه مشهود است که در این میان نمرات زوجهای دارای فرزند نوجوان نسبت به نمرات سایر زوجها در پایینترین سطح قرار دارد و برعکس نمرات زوجهای دارای فرزند ازدواج کرده و جدا شده از خانواده نسبت به نمرات سایر زوجها در بالاترین سطح قرار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده از این تحقیق بیانگر آن است که بین مراحل ساختار خانواده از لحاظ تأثیر آن بر رضایتمندی از زندگی زناشویی تفاوت‌های معناداری وجود دارد. میزان رضایتمندی زناشویی در زوجینی که فرزند نوجوان دارند، کمتر از سایر مراحل است. سپس مرحله‌ای است که زوجین فرزند پیش‌دبستانی یا دبستانی دارند، و بعد از آن مرحله‌ای است که زوجین بدون فرزند می‌باشند. در نهایت این میزان در مرحله‌ای که فرزندان ازدواج کرده و خانواده را ترک کرده‌اند، به بالاترین سطح خود می‌رسد. تحقیقات متعددی نشان داده است که در دوره نوجوانی، نوجوان به بلوغ جنسی دست پیدا می‌کند و هویت فردی خود را جدا از هویت خانوادگی‌اش بنا می‌نهد. این عوامل باعث می‌شود که در این دوره مطالبات درونی نوجوان برای خودشناسی، خودکفایی در حمایتها و رهنمودهای عاطفی بروز کرده و نوجوان را در وضعیتی بحرانی قرار دهد. نوجوانی، دوره

پرمطالبه و پیچیدای است که توجه تمام وقت والدین را می‌طلبد چون در این دوره خانواده نه تنها با فشارهای ناشی از تغییرات رشدی نوجوان روبروست بلکه با فشارهای مالی به دلیل آنکه پدران معمولاً در نیمه راه زندگی و مرحله بحرانی شغل خود قرار دارند و مادران در آستانه ورود به یائسگی هستند، مواجه می‌باشد. در این صوراحتماً لاً نوجوان بودن فرزند، اشتغالات ذهنی خاص تی برای والدین تولید می‌کند که بر رضایت از زندگی زناشویی آنان تأثیر منفی می‌گذارد. به‌عبارتی فرایند تربیت و پرورش فرزندان در این سنین و مراقبتهایی که باید والدین در مقابله با عوامل تهدید کننده فرزند خود به‌عمل‌آورند، احتماً لاً موجب بروز مشکلاتی در روابط بین آنان می‌شود. در مقابل، در مرحله‌ای که فرزندان ازدواج کرده و خانواده را ترک کرده‌اند، بیشترین رضایت از زندگی زناشویی وجود دارد. در تحقیق سلیمانیان (۱۳۷۳)، نیز به این مطلب اشاره شده که رضایت زناشویی خانواده‌هایی که فرزندان آنها ازدواج کرده و خانواده را ترک کرده‌اند به مراتب بیشتر از سه گروه دیگر (فاقد فرزند، دارای فرزند پیش‌دستانی با دبستانی و فرزند نوجوان) است. همچنین در تحقیق سیف (۱۳۶۸) گزارش شده است که پس از ازدواج فرزندان و ترک خانواده، دوره تازه‌ای در راه و روش زندگی خانوادگی به‌وجود می‌آید، یعنی زنان از یک طرف به آخرین حد قابلیت در بارداری رسیده و از طرف دیگر نقش نگهداری و مراقبت از فرزندان از بین می‌رود. همچنین مردان نیز تغییراتی را در این دوره می‌آزمایند؛ به‌طوری که به آخرین حد پیشرفت حرفه‌ای خود رسیده و همچنین کار و درآمد زن و شوهر در این مرحله به حداکثر خود می‌رسد. در این هنگام زوجین مجال استفاده بیشتری از وقت خود را دارند، در این صورت روابط لذت‌بخش در طرفین ایجاد می‌شود (ثنایی، ۱۳۷۵).

لوپس و کول (۱۹۷۵) نیز در یک تحقیق مقطعی چنین نتیجه گرفتند که نقشهای مربوط به نقشهای زناشویی پس از استقلال زندگی فرزندان نسبت به زمانی که در خانواده حضور داشته‌اند کمتر شده و همسران شکایت کمتری از یکدیگر ابراز می‌کنند (وکیلی، ۱۳۶۷).

میرخشتی (۱۳۷۵) نیز در تحقیقات خود نشان داده است که رضایت زناشویی در مرحله‌ای که فرزندان ازدواج کرده و خانواده را ترک کرده‌اند، بیشتر از سایر مراحل است. همچنین در مرحله‌ای که زوجین ازدواج کرده و فرزند ندارند نیز میزان رضایتمندی بالا می‌باشد؛ زیرا به نظر می‌رسد اگرچه در ابتدای ازواج کلیه همسران، اعم از کسانی که از نقش‌سازی تبعیت می‌کنند و یا پیرو نقش‌های سنتی هستند، دچار تضاد و مخالفت می‌شوند ولی از آنجا که در این دایره فرد سومی وجود ندارد، راحت‌تر با یکدیگر کنار آمده و رضایتمندتر می‌باشند. سپس گروهی که فرزند پیش‌دبستانی یا دبستانی دارند از رضایت زناشویی کمتری برخوردار هستند. علت آن این است که با تولد فرزند، اعضای خانواده شروع به آمیختن با اولین عضو خویش می‌کنند و این امر منجر به بروز تغییراتی در توصیف نقش و تعهدات مرتبط با مراقبت از کودک، اداره مسؤولیت خانواده، کسب درآمد، روابط زوجین با یکدیگر و... می‌شود؛ به‌طوری که اکثر شوهران در این دوره بیشتر اوقات خود را صرف کار خود کرده و همسران را رها می‌کنند که این مسائل موجب عدم توافق بین زوجین می‌شود (میرخشتی ۱۳۷۵).

مقایسه میانگین نمرات گروههای چهارگانه تحقیق در زیرمقیاسهای آزمون نشان داد که در تمامی زیرمقیاسها، تفاوت بین گروهها از الگوی مشابهی تبعیت نموده که به این معنا است، بین مؤلفه‌های مختلف رضایت زناشویی در دوره‌های مختلف ساختار، تفاوت معنادار وجود ندارد. البته در این نوع از پژوهشها تحقیقات تجربی دقیقتری نیازمند است تا معلوم شود که مراحل مختلف

ساختار خانواده می‌تواند رضایت از زندگی زناشویی را افزایش یا کاهش دهد و همچنین به دلیل آنکه پرسشنامه انریچ برای جامعه غیرایرانی هنجار شده لازم است که پرسشنامه‌ای متناسب با فرهنگ ایرانی برای اندازه‌گیری رضایتمندی از زندگی زناشویی ساخته شود. اما در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت با توجه به اینکه گذر از مراحل مختلف ساختار خانواده با ویژگی‌های خاصی توأم است که مستلزم تلاش جهت برقراری تعادل است می‌توان با فراهم ساختن زمینه آموزش برای آگاه‌سازی خانواده‌ها از هر یک از این مراحل از بروز مشکلات خانوادگی ممانعت به عمل آورد. از سوی دیگر لازم است. این‌گونه مطالعات در حوزه وسیع‌تری انجام شود تا برای سایر پژوهش‌ها مبنای قرار گیرد. بویژه آنکه برای مشاوران در مراکز مشاوره جهت حل معضلات خانواده‌ها راهگشا باشد.

منابع

References

۱. استریت، اید؛ مشاهده خانواده؛ ترجمه: تبریزی - علوی‌نیا؛ تهران: انتشارات فراروان، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
۲. کارلسون و همکاران؛ خانواده درمانی؛ ترجمه: ش. نوابی‌نژاد؛ تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۸.
۳. بک، آدولف؛ عشق هرگز کافی نیست؛ ترجمه: م. قراچه داغی؛ تهران: انتشارات مترجم، ۱۳۷۳.
۴. ثنایی، باقر؛ آسیب‌شناسی خانواده؛ مجله پژوهش‌های تربیتی، ش ۳، ۱۳۷۰.
۵. ثنایی، باقر؛ مقاله روابط انسانی و به‌سازی آن؛ مجله پژوهش‌های تربیتی، شماره ۱ و ۲، ج ۴، ۱۳۷۵.
۶. ساروخانی، باقر؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی؛ تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۰.
۷. ستیز، م؛ آدم‌سازی؛ ترجمه: پزشک؛ تهران: انتشارات رشد، ۱۳۷۰.
۸. سلیمانیان، علیرضا؛ بررسی تفکرات منطقی و غیرمنطقی (براساس رویکرد شناختی) و نارضایتی از زندگی زناشویی؛ کارشناسی‌ارشد روانشناسی مشاوره، تهران: دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۳.
۹. میرخشتی، فرشته؛ بررسی رابطه میان رضایت از زندگی زناشویی و سلامت روان؛ کارشناسی‌ارشد روانشناسی مشاوره‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی: واحد رودهن، ۱۳۷۵.
۱۰. مینوچین، س؛ خانواده و خانواده درمانی؛ ترجمه: ب، ثنایی؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۱۱. وکیلی؛ بررسی عوامل مؤثر در رضایتمندی زنان شاغل از زندگی زناشویی؛ کارشناسی‌ارشد روانشناسی مشاوره، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۶۷.
۱۲. هومن، حیدر علی؛ تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری؛ تهران: چاپ پیک فرهنگ، ج۱، وُل، ۱۳۸۰.

References

منابع

13. Carlson, Jon, & stven slavik; Techniques of Adlerian Psychology; Washington, DC: Taylor & Francis, 1997.
14. Christensen, A. & Heavey, C.; Gender differences in marital conflict: The demand / withdrawal interaction pattern.; In: Oskamp & Constanzo Eds, Gender Issue in Contemporary Park, CA: Sage, 1993.
15. Dandeneau, M.L., M., Johnson; "Facilitating intimacy interventions and effects". *Journal of Marital and family Theory*. Vol. 20, No.1/p. 17/33) 1994.
16. Satir, V., & J., Baxmen; Gerber, and Goomori, M. The satir Model: Family therapy and beyond palo: AHO, CA: Science and Behavior Books, 1991.
17. Sears, D.O.; L.A., Peplau, J.I., freedman; Taylor, S.E.; Social Psychology, By Practical International Editors, 1988.

پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی